

تأثیر سیاست فرهنگی بر نابهنجاری های فرهنگی - اجتماعی تماشاگران در

مجموعه های ورزشی شهر تهران

فاطمه براتلو^۱

سیدرضا صالحی امیری^۲

وحید غرقى شفیعی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۸

امروزه، ورزش به عنوان یک امر اجتماعی مورد توجه همگان قرار دارد و به جهت جذابیت های نهفته در آن به ویژه در برخی از رشته های ورزشی از جمله فوتبال همواره شاهد حاشیه هایی از نوع نابهنجاری های فرهنگی - اجتماعی در بین تماشاگران هستیم. این پژوهش کیفی بر اساس فرایند ارزیابی تأثیرات اجتماعی (اتا) صورت گرفته است. بدین منظور براساس متغیرهای (اتا) به سه عامل فرهنگی، مدیریتی - سیاسی و نهادی - اجتماعی در بروز رفتار نابهنجار تماشاگران رسیدیم و براساس پارادایم تفسیری، از روش کیفی با رویکرد نظریه زمینه ای (استراوس و کوربین) - که یک روش پژوهشی استقرایی واکتشافی است که براساس داده های واقعی امکان تدوین تئوری را نیز فراهم می کند - استفاده نمودیم. جامعه آماری این پژوهش، روسای فدراسیون های ورزشی، جامعه شناسان و مدیران فرهنگی شاخص کشور بوده اند که با توجه به سمت و عدم دسترسی به این افراد، از نمونه های قابل دسترس (۱۶ نفر) سود جستیم. با توجه به روش تحقیق این پژوهش و استفاده از یافته های حین تحقیق، فرضیاتی درباره تأثیر سیاست های فرهنگی و مولفه های آن در بروز نابهنجاری های فرهنگی و اجتماعی تماشاگران در مجموعه های ورزشی پرداخته شد و در نهایت، فرضیات فوق مورد تأیید محقق قرار گرفت. یافته های این تحقیق (اتا) در ابعاد مختلف نشانگر بی توجهی در برخی زمینه ها و حوزه ها و لزوم برنامه ریزی در سیاست گذاری ها، استراتژی ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت ها در حوزه ورزش است که باید به آن جنبه ها توجه خاصی مبذول شود، بویژه در رشته فوتبال که با هویت ملی و قومی ما گره خورده است. در مجموع، ضروری است که سیاست های فرهنگی در ایران با حساسیت و آگاهی، از یک سازماندهی منسجم برخوردار گردد.

واژگان کلیدی: مخاطب، نابهنجاری، سیاست فرهنگی، ساختار اجتماعی و تماشاگران

۱ استادیار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، استاد مدعو دانشگاه علوم تحقیقات تهران

۲ عضو هیات علمی و مدیر گروه مدیریت فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران

۳ دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

پیشینه علاقه به بازی، به انسان های نخستین باز می گردد که در طی زمان با کارکردهای تربیتی و نظامی به شکل کنونی رسیده است. آنچه که در یونان گذشته و بعد در رم اتفاق می افتاد، با آنچه که امروز به آن ورزش می گوئیم، خیلی تفاوت دارد. در آن زمان، جوامع نظامی و سبک ورزش به صورت تن به تن و نمادین بود و ورزش بخشی از جامعه پذیری افراد را تشکیل می داد؛ اما در عصر مدرن، علیرغم اینکه ورزشگاه ها تقریبا به شکل دوران باستان ساخته و طراحی می شوند، ولی در نوع و سبک ورزش تفاوت های بسیاری حاصل گردیده است (خلیلی، ۱۳۹۳).

در ورزش مدرن، اقتصاد، سیاست و فرهنگ همگی نقشی ایفا می کنند و ورزش از حالت تک بعدی خارج شده است. در این رهگذر، مخاطبان ورزشی نیز شکل نوینی به خود گرفته اند. این نوع ورزش بواسطه هیجان و حواشی که ایجاد می نماید باعث بروز بسیاری از معضلات در جنبه های فردی و اجتماعی شده است. درگیری در استادیوم های ورزشی، مصاحبه های تند بازیگران بر علیه یکدیگر و حرکات ناشایست آنان در زمین و همه و همه نشان از معضلات صنعت ورزش در جامعه مدرن امروزی دارد.

ورزش در عصر کنونی تبدیل به یک فرایند علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شده است و رشته ای میان رشته ای در علوم اجتماعی محسوب می شود. ورزش با جذابیتی که در درون خود دارد، افراد جوامع مختلف را ضمن اینکه به گرد خود جمع می نماید، بعضا موجب نابهنجاری ها در بین آنان می شود و تعارضاتی را دامن می زند. در این میان، نقش دولت ها برای کاستن از نابهنجاری ها از طریق سیاست هایی که در این جهت طراحی و برنامه ریزی می نمایند، قابل تعمق است. برای آسیب شناسی این رفتارها که متأسفانه در برخی کشورها از جمله ایران روز به روز بر دامنه آنها افزوده می شود، باید به طور ساختاری و بنیانی به سیاست های فرهنگی دولت پرداخت. بدیهی است که پس از آسیب شناسی سیاست ها می توان با ارایه راهکارهایی که از این تحقیق به دست می آید، در جهت اعتلای فرهنگی تماشاگران در مجموعه های ورزشی گام برداشت.

بیان مسئله

ورزش و فعالیت های مربوط به آن، انرژی و زمان فراوانی از افراد جوامع امروزی را به خود اختصاص داده و جایگاه مهمی در فرهنگ آنها پیدا کرده است. اینک، نیاز به ورزش و وجود مجموعه های ورزشی، امری جدایی ناپذیر از زندگی عامه مردم شده، بی آن که شرایط سن، جنس، قومیت و ... لحاظ شود. هر کسی با هر ذائقه و سلیقه ای می تواند در اماکن ورزشی حضور یابد و در چنین شرایطی، مسائلی چون رفتارهای مغایر اصول اخلاقی و فرهنگی بویژه با توجه به نوستالژی مرام پهلوانی و مشکلات مربوط به عرصه مخاطبان و تماشاگران می تواند یک بحران را بنیان نهد. از نگاه های مختلفی می توان به این مسئله

نگریست و آن را تحلیل کرد. در این جا و در حوزه تخصصی مدیریت و برنامه ریزی امور فرهنگی، نگاه آسیب شناسانه به سیاست های فرهنگی در حوزه ورزش را مورد توجه قرار می دهیم.

در رویکردهای انسان شناسانه به فرهنگ، ادوارد بارنت تیلور- پدر انسان شناسی اجتماعی در بریتانیا- کتاب کلاسیک و مشهور خود با عنوان "فرهنگ ابتدایی" را با ارائه این تعریف از فرهنگ آغاز کرده: "فرهنگ عبارت است از کلیتی در هم پیچیده از مجموعه ای از دانش ها، فناوری ها، عادات، آداب، رسوم، آیین ها و تمام چیزهایی که انسان به عنوان عضوی از جامعه آنها را به دست می آورد."

فرهنگ و تمدن در معنای وسیع مردم نگارانه اش عبارت است از: «کلیت در هم تافته ای شامل دانش، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و هرگونه قابلیت سعادتتی که از طریق آن انسان به عنوان...» در این تعریف ابعاد گوناگون سازمان اجتماعی و بویژه دولت و نظام سیاسی کاملاً نادیده گرفته شده است. (تیلور، فرهنگ ابتدایی، ۱۸۷۱)

فرهنگ عمومی عرصه ای است که در آن هویت ها و خرده فرهنگ ها و نیز الگوهای موجود سبک زندگی شامل رفتار مسکن گزینی، فرهنگ رانندگی، فرهنگ سخن گفتن، فرهنگ پوشاک و لباس، نحوه گذراندن اوقات فراغت، مصارف فرهنگی و نظایر آن ... تعریف و باز تعریف می شوند. سیاست فرهنگی نیز به عنوان یک مفهوم انتزاعی، در یک معنا به مثابه یک واقعیت، بیانگر مجموعه ای از اقدام هاست. این اقدام ها به صورت مجموعه ای از خط مشی ها، سیاست ها، برنامه ها و فعالیت ها شناخته می شوند. هر یک از این سیاست ها و تصمیم ها دارای تاثیراتی در حوزه تصمیم خود و در درون جامعه است. امروزه با عناوین مختلفی از جمله «اتا» یا ارزیابی تاثیرات اجتماعی به این تاثیرها می پردازند.

در این دیدگاه، دولت به عنوان نماینده مردم می تواند تحت لوای قانون با اجرای سیاست ها و خط مشی های مربوط به اوقات فراغت برای بهزیستی عمومی و پاسخگویی به نیازهای غیر مادی یا فرامادی شهروندان و تأمین نیازها و حقوق فرهنگی آنان در شئون مختلف زندگی، حضوری فعال داشته باشد. بدین ترتیب، ذیل هدف کلان بررسی سیاست های فرهنگی کشور در حوزه ورزش و جوانان، پرسش اصلی این خواهد بود که تاثیرات اجتماعی- فرهنگی این سیاست های فرهنگی چه بوده است؟ ارزیابی تاثیرات اجتماعی (اتا) سیاست های فرهنگی بیانگر چه دلالت ها و پیشنهاداتی برای مقابله و پیشگیری از کژتابی های رفتاری و فرهنگی تماشاچیان مسابقات ورزشی است؟

آیا رابطه ای معنادار میان بروز خشونت های فرهنگی در میداين ورزشی با محتوای سیاست های فرهنگی شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی صورت گرفته وجود دارد؟ به منظور پیشگیری از بروز چنین رفتارهایی، وزارت ورزش و جوانان، کنفدراسیون ها و کمیته های انضباطی و در نهایت، مجموعه های ورزشی که عمدتاً نیز از پسوند یا پیشوند فرهنگی بهره می برند، چه نقش یا نقش هایی را ایفا نموده اند؟

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

در میان اسناد بالادستی می توان به طور خاص به ضرورت تدوین « الگوی توسعه اسلامی - ایرانی» در سند قانون برنامه پنجم توسعه اشاره نمود. در چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ و شصت و شش هدف ذکر شده در اسناد پشتیبان سند چشم‌انداز توسعه کشور به موارد زیر اشاره شده است: دستیابی به کشوری توسعه‌یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، ... دستیابی به کشوری برخوردار از دانش پیشرفته، دستیابی به کشوری توانا در تولید علم و فناوری، دستیابی به کشوری برخوردار از اقتدار، دستیابی به پیوستگی مردم و حکومت، فاصله گرفتن از فساد، دستیابی به جامعه ای فعال، مسئولیت پذیر و رضایت مند، دستیابی به جامعه ای منضبط، دستیابی به جامعه ای برخوردار از روحیه تعاون، دستیابی به جامعه ای برخوردار از سازگاری اجتماعی، دستیابی به جامعه ای مفتخر به ایرانی بودن خود، تحقق جنبش نرم‌افزاری تولید علم، دستیابی به ایرانی الهام بخش در جهان اسلام، دستیابی به توسعه کارآمد، تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، دستیابی به نواندیشی و پویایی فکری، دستیابی به نواندیشی و پویایی اجتماعی. (کمیسیون چشم‌انداز و امور نخبگان مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۱)

در جامعه کنونی، برخی از سیاستگذاران به ندرت دانش فرهنگی را در تصمیم‌گیری‌های خود وارد می‌کنند و بعضی از سیاستگذاران از دانش نظری در فهم فرهنگ بی‌اطلاع یا کم‌اطلاع‌اند. از این رو، هزینه‌های بسیاری را در شرایط دشوار امروز به جامعه تحمیل می‌نمایند.

سیاستگذاری‌های فرهنگی نمی‌تواند مبتنی بر درکی اتفاقی باشد. رشته یا "discipline" مدیریت فرهنگی" بویژه با وضعیت جدید آن شاخه ای متاخر نسبت به تجربه صد ساله سیاستگذاری فرهنگی در ایران است. برقراری پیوندهای ارگانیک و کارکردی میان رشته‌های علمی، جامعه و دولت، منجر به نهادینه شدن علوم بویژه در حوزه سیاست فرهنگی در ایران خواهد شد.

چنانچه تحقیقات مسئله‌مند به ارایی «نظریه» نیز منتهی شود، ضمن دست‌یابی به فرصت شناخت و تحلیل ریشه‌های معضلات و «شبه‌معضلات» فرهنگی - اجتماعی می‌تواند به عنوان یک ایده و منش در مسیر بهبود کیفیت مدیریت فرهنگی و تعامل علمی با جهان علم نیز قرار گیرد.

سیاست‌ها - همچنین سیاست‌های فرهنگی - در تجربه زیسته مردم جریان دارند. ضرورت اثربخشی مدیریت فرهنگی و کاستن از ریسک تصمیمات در این حوزه ایجاب می‌کند تا رابطه و کیفیت تعامل دولت و فرهنگ در حوزه فرهنگ عمومی در مصادیق مختلف مورد مطالعه قرار گیرد. یکی از این جایگاه‌ها، نحوه حضور دولت و سیاست‌های فرهنگی آن در حوزه ورزش است. در حقیقت، سیاست فرهنگی باید از حیث مخاطب‌مداری و یا مشتری-محوری در حوزه‌های تاثیر آثار، نتایج و پیامدهایی که دارند و ارزیابی آن بسیار مهم است، باید مورد تحلیل واقع شوند.

متأسفانه طی چندسال اخیر، شاهد برخوردهای خشن و غیراخلاقی دور از شانی از سوی تماشاگران در مجموعه های ورزشی بوده ایم که علیرغم اعمال توجه شناختی از رویکرد جامعه شناختی و روانشناسی و یا انضباطی - تنبیهی در این عرصه ها مشکل همچنان باقی است و تکرار مشکل در علوم انسانی به منزله وجود یک مسئله است.

حال که راهکارهای ارائه شده نیز حداقل تا آنجایی که مشاهده می شود پاسخگو نبوده - در حالی که اینگونه برخوردها رشد بیشتری پیدا کرده و دامنه آنها نیز توسعه یافته است - توجه به نقش فرهنگ و سیاست فرهنگی در نظم و انتظام سیاسی - حاکمیتی کشورها در کنار توجه دقیق به مخاطب در حوزه فرهنگ و هنر می تواند عناصری را در حیات سیاسی کشور، حیات گروه های اجتماعی، گروه های در تقابل با آنها (تضاد میان فرهنگ نخبه گرا و فرهنگ توده، میان موضع اجتماعی متعلق به هر رده اجتماعی و میان نخبگان و عام مردم) و حیات آفرینشگری و اداره اجتماعی آن به وسیله ساختارهای نهادین که شکل گیری مخاطب به آنها سپرده شده است، به ارمغان آورد.

همچنین، توجه به امور فرهنگی با پشتوانه فرهنگ غنی ایرانی - اسلامی و تاکید بر مولفه های هویتی و سبک زندگی، انجام تحقیقاتی از این نوع با موضوعاتی خاص در حوزه های مختلف به ویژه ورزش را ضروری و اجتناب ناپذیر می سازد.

باتوجه به یافته های این تحقیق، سازمان ها و نهادهای ذیربط از جمله وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، سازمان های فرهنگی شهرداری، فدراسیون های ورزشی، صدا و سیما و.... می توانند در جهت سیاست گذاری و برنامه ریزی و ارائه دستورالعمل های سازمانی درحوزه های فعالیتی خود به منظور بسترسازی فضاهای فرهنگی در مجموعه های ورزشی استفاده نمایند. بویژه این که در حوزه تخصصی مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی این تحقیق به لحاظ موضوع، رویکرد و نوع طرح مسئله نوآورانه است.

اهداف پژوهش

هدف کلی

بهبود شرایط پیش رو، افزایش رضایتمندی و تغییر هدفمند در الگوهای سبک زندگی

اهداف ویژه و کاربردی

- شناسایی قلمروهای فرهنگی موجود یا ابعاد فرهنگی مغفول مانده در حوزه مدیریت فرهنگ؛
- ارزیابی تاثیرات اجتماعی (اتا) سیاست های فرهنگی و احصای دلالت های آن در مقابله و پیشگیری از کژتابی های رفتاری و فرهنگی تماشاچیان مسابقات ورزشی؛
- ارائه نتایج برای رفع نیاز تصمیم سازان در اخذ تصمیمات مسوولانه تر با ارزیابی آسیب شناسانه از جنبه های اجتماعی - فرهنگی سیاست های فرهنگی در حوزه ورزش.

فرضیه های تحقیق

با توجه به اینکه روش پژوهش حاضر، کیفی با رویکرد نظریه زمینه ای (استراوس و کوربین) می باشد، محقق پس از تجزیه و تحلیل به فرضیات دست پیدا می کند و در نهایت، این فرضیه ها در صورت تایید به نظریه تبدیل می شوند:

۱. عدم توجه به ابعاد فرهنگ ورزش (سیاسی و اقتصادی ورزشی) در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.
۲. عدم اطلاع سیاستگذاران در حوزه مخاطب و تماشاچی در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.
۳. عدم بهره مندی از متخصصان جامعه شناسی و امور فرهنگی در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.
۴. عدم تصحیح نگاه حاکمیت به فرهنگ شادی در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.
۵. عدم توجه به ایجاد مکانهای ورزشی و نیازهای زیر ساختی شامل کمیت و کیفیت محل استقرار تماشاچیان، دسترسی به امکانات جانبی، ضروری و رفاهی در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.
۶. عدم توجه به نقش مهم نهاد ورزش در کاهش انحرافات اجتماعی در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.
۷. عدم بکارگیری مدیران در حوزه های تخصصی در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.
۸. عدم توجه به دستاوردهای دانشگاه ها و انتقال مفاهیم فرهنگی در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.

۹. عدم تعیین نهادی نظارتی مختص فوتبال و برخورد با عوامل فساد در سیاست های فرهنگی وزارت ورزش و جوانان شامل سیاست ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت های فرهنگی منجر به نابهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان است.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات

سیاست فرهنگی

مفهوم Cultural policies یا سیاست فرهنگی، مفهومی مدرن است که سرآغاز پیدایش آن، در یک گذشته تاریخی، به ورود حکومت ها به حوزه فرهنگ بازمی گردد. سیاست های فرهنگی ماموریت شکل دهی به فرهنگ جامعه را توسط دولت ها، سازمان ها و نهادهای مختلف از جمله وزارت ورزش و جوانان عهده دار هستند.

به طور خاص سیاست فرهنگی به عنوان یک مفهوم انتزاعی در یک معنا به مثابه یک واقعیت، بیانگر مجموعه ای از اقدام هاست. مفهوم سیاست فرهنگی در معنای محدود، عبارت است از اقداماتی که متولیان امور فرهنگ و دولت ها انجام می دهند و نتایج پیامدهای اقدامات سیاست گذاری آنان و در معنای گسترده چالش های فکری در موضوعات فرهنگی است. (مک گوئیگان، ۱۳۸۸: ۲۵)

سیاست های فرهنگی، ماموریت شکل دهی به فرهنگ جامعه را توسط دولت ها، سازمان ها و نهادهای مختلف عهده دار هستند. سیاست هایی چون: سیاست سلامت، سیاست انرژی، سیاست حمل و نقل، سیاست مسکن، سیاست محیط زیستی، سیاست آموزشی، سیاست مالیاتی و نیز سیاست فرهنگی هدایتگر تصمیمات و اقداماتی هستند که به وسیله بخش های دولتی در سطح ملی مانند وزارت خانه ها یا استان ها و دولت های محلی اتخاذ و به اجرا گذاشته می شوند.

مخاطب شناسی

از نگاه دنیس مک کوایل، منشاء اولیه مخاطبان رسانه ای امروز در اجراهای تئاتر و موسیقیایی عمومی و نیز در مسابقات و نمایش های دوران باستان نهفته است. نخستین برداشت های ما از مخاطب به گردآمدن مردم در یک مکان خاص اشاره دارد.

هربرت بلومر یکی از نخستین اعضای مکتب جامعه شناسی شیکاگو در باب مخاطب می گوید: "تجمعی که در نتیجه شرایط خاص جوامع مدرن امکان وجود یافته بود. وی پدیده فوق را یک «توده» نامیده است."

(دنیس مک کوایل، ۱۳۸۵)

با توجه به تمامی موارد بالا و تعاریف ذکر شده درباب مخاطب به این نتیجه می رسیم که مخاطب، گروهی از افراد (یا کنشگران) هستند که مورد نظر و روی خطاب و سخن با آنان است.

کژرفتاری

یکی از موارد مهم در موضوع ناهنجاری، وندالیسم و رفتار وندالیسمی است. در اغلب تعاریف ارایه شده در باب مفهوم وندالیسم در مباحث انحرافات و آسیب های اجتماعی، محققان و صاحب نظران از آن به عنوان رفتار معطوف به تخریب و خرابکاری اموال، تأسیسات و متعلقات عمومی نام برده اند. جامعه شناسان و علمای علوم اجتماعی می گویند: هنجارها، قواعد رفتار اجتماعی به شمار می آیند که اجرای اصول و قواعد رفتاری هر جامعه را تضمین می کنند. بقا و استمرار حیات هر جامعه در گرو متابعت اعضای جامعه از هنجارها و ارزش فرهنگی مقرر است. از این رو، جامعه متابعت کنندگان هنجارهای اجتماعی را همونوا (Conformist) و متناقضین آنها را ناهمونوا (Non-Conformist) می نامند. رفتاری اغراق آمیز تلقی می شود که به عنوان رفتار غیرعادی تعریف شود. بیکر در این باره می نویسد: انحراف، چگونگی عملی که شخصی مرتکب می شود، نیست، بلکه نتیجه عملی است که دیگران برحسب ضمانت اجرایی قوانین به یک تخلف نسبت می دهند. (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۴۲)

ساختار اجتماعی

ساختار اجتماعی به جنبه هایی از روابط موجود میان افراد یک سازمان اشاره می کند که به صورت الگو و یا قاعده درآمده اند. ساختار اجتماعی هر تشکل انسانی را می توان به طور تحلیلی به دو جزء تقسیم نمود. همان طور که «کینگزلی دیویس» (Davise, 1949:52) مطرح می کند:

"... در جامعه انسانی همواره مسئله ای به نام واقعیت دوگانه وجود دارد: در یک طرف، یک سیستم هنجاری شامل آنچه باید باشد قرار دارد و در طرف دیگر، یک نظم واقعی شامل آنچه هست ... این دو نظم نمی تواند کاملاً منطبق بر هم و یا جدا از هم باشند".

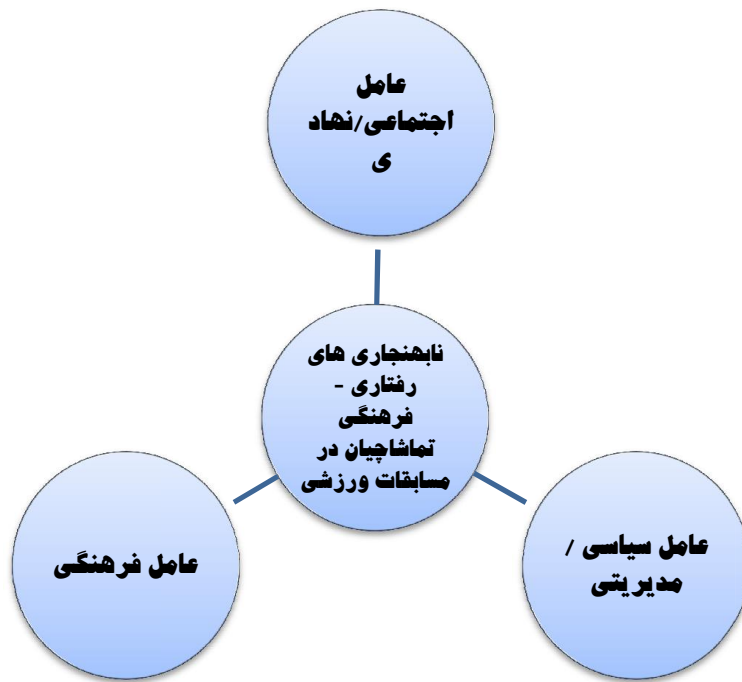
ما به اولین جزء نظریه «دیویس» با عنوان ساختار هنجاری اشاره خواهیم نمود. این جزء شامل ارزش ها، هنجارها و انتظارات نقش است. به طور خلاصه، ارزش ها معیارهایی هستند که در انتخاب هدف های رفتاری به کار می روند. هنجارها، قواعد تعمیم یافته ای هستند که رفتار را مشخص می کنند و در حالت خاص، وسایل مناسب برای تعقیب اهداف اند و نقش ها، انتظارات یا استانداردهایی هستند که برای ارزیابی رفتار کسی که یک موقعیت اجتماعی خاص را اشغال کرده، به کار می روند. یک موقعیت اجتماعی تنها جایگاه خاصی در سیستم روابط اجتماعی است. ارزش ها و نقش ها در هر گروه اجتماعی به صورت تصادفی قرار نمی گیرند، بلکه در قالب مجموعه ای هماهنگ و منسجم از باورها و تجویزات (بایدها و نبایدها) که رفتار افراد را جهت می دهد، تشکل می یابند. به همین دلیل ما از آنها به عنوان ساختار هنجاری یاد می کنیم.

ما دومین جزئی را که «دیویس» fh عنوان «نظم واقعی» به آن اشاره می کند، ساختار رفتاری ۱ می نامیم. این جزء به جای تجویزات رفتاری، بر رفتار واقعی توجه دارد. طبقه بندی معروف «هومانز» (Homans, 1950: 33-40) از رفتار اجتماعی سه عامل فعالیت ها، کنش های متقابل و احساسات را به عنوان عوامل تشکیل دهنده ساختار رفتاری معرفی می کند. به دلیل اینکه کار ما بیشتر در ارتباط با ساختار رفتاری است تا صرفاً رفتار، لذا به آن دسته از فعالیت ها، کنش های متقابل و احساساتی توجه می کنیم که تا حدودی از نظم معینی پیروی می کنند؛ به عبارت دیگر، رفتار تکراری یک فرد خاص یا رفتارهای مشابه یک دسته از افراد، مدنظر است.

همان طور که مرور نظریات «دیویس» به ما یادآوری می نماید، ساختار هنجاری و ساختار رفتاری یک گروه، مستقل و منطبق بر هم نیستند، بلکه به میزان متفاوتی به هم وابسته اند. ساختار هنجاری محدودیت های عمده ای را بر ساختار رفتاری تحمیل می کند، رفتار را شکل و آن را جهت می دهد و مسئول بسیاری از قواعد و الگوهای رفتاری موجود است. از طرف دیگر، بسیاری از رفتارها از ساختار هنجاری تجاوز می کنند و منبع عمده توسعه (عوامل) و تغییرات در آن ساختار [هنجاری] می شوند. (اسکات، ۱۳۹۲: ۳۸)

مدل مفهومی تحقیق

طبق نمودار زیر، سه عامل اجتماعی/نهادی، مدیریتی/سیاسی و فرهنگی متغیرهای مستقل هستند و نابهنجاری های رفتاری - فرهنگی تماشاچیان مسابقات ورزشی متغیر وابسته است.



نظریه آنومی دورکهایم

به نظر دورکهایم، کژ رفتاری و بزهکاری یک واقعیت اجتماعی و از این رو بهنجار است و نه نابهنجار. در تعریف وی، آنومی اشاره به نوعی بی سازمانی، اختلال، اغتشاش، گسستگی های هنجاری در نظام جمعی دارد. به طور کلی، سه نوع کجروی در آثار دورکهایم می توان یافت:

- ۱- کژرفتاری زیستی و روانی : تنها نوع کژ رفتاری در اجتماع کامل و بی عیب و نقص است. این نوع کژرفتاری نمونه کردار فرد بیمار در جامعه سالم است (جامعه سالم - فرد بیمار).
- ۲- کژرفتاری انقلابی: برای دگرگونی وضع نابسامان اجتماعی پدید می آید (جامعه بیمار - فرد سالم).
- ۳- کژرفتاری چوله: نمایانگر کردار افرادی است که هم تربیت اجتماعی مناسب نیافته اند و هم در جامعه بیمار زندگی می کنند (جامعه بیمار - فرد بیمار).

جرایم از نظر دورکهایم، ویژگی مشترکی دارند که در تمامی جرایم صرف نظر از نوع آنها مشاهده می شود و آن تعارض آنها با احساسات جمعی است. پس همین تضاد عامل ایجاد جرم می شود، نه این که خود از آن ناشی شده باشد. با توجه به رابطه معنی دار همبستگی اجتماعی و اعتقادات اجتماعی، دورکهایم معتقد است دو دسته از خواص در جریان تبیین علمی نقش بسزایی دارند:

- ۱- کمیت واحدهای اجتماعی یا حجم جمعیت یا تعداد واحدهای اجتماعی؛
 - ۲- تراکم کمیت یا تمرکز جرم یا تراکم حرکتی.
- هرچه بیشتر افراد گردهم آمده، نزدیکی مکانی پیدا کنند و متراکم تر شوند، گرایشات فرهنگی، معنوی و اخلاقی آنان افزایش می یابد. بدین وصف می توان نتیجه گرفت که هرچه گسستگی میان اعضای خانواده کمتر شود، گرایشات اختلافی و اعتقادات اخلاقی افزایش می یابند.

بنا به نظر دورکهایم، حضور فیزیکی، روابط همبسته، اعتقادات اخلاقی و وابستگی های عاطفی با یکدیگر توضیح داده می شوند و هسته اولیه آن، مجاورت افراد است. مجاورت بر تعدد کنش ها و تشدید تأثیرات متقابل افراد تأثیر بسزایی می گذارد و سازمان دهنده همبستگی مبتنی بر قواعد اخلاقی، اعتقادی و هنجاری می باشد (محسن تبریزی، ۱۳۸۲).

نظریه آنومی و انحراف مرتن

مرتن، انحراف و کژرفتاری را ناشی از گسستگی و انفعال بنیادی بین هدف های فرهنگی و مسائل نهادی شده جهت نیل به آنها می داند. از این رو، انحراف از شخصیت های مریض ناشی نمی شود و نه یک مسئله خاص فردی، بلکه به عنوان امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است. توجه ویژه مرتن به فرهنگ ها و جوامعی است که تأکید زایدالوصفی بر ارزش ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل اسباب وصول به آن اهداف کمتر تأکید و مشخص شده است. از این رو، به واسطه عدم تناسب بین هدف و وسیله، تشکل یکپارچگی فرهنگی بوجود نیامده و حالتی از احساس بی هنجاری یا آنومی در جامعه حاکم است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۰).

نظریه های انتقال فرهنگی و کژرفتاری

این نظریه ها بیشتر به فراگرد یادگیری فرهنگی تأکید می کنند که در جریان آن کژرفتاری آموخته می شود. این نظریه ها همچنین وضعیت رفتار را بیشتر از نظر زمینه های رشد و پرورش شخصیت فرد در نظر می آورند. از سوی دیگر، نظریه های انتقال فرهنگی از نظریه های انواع مردم بزهکار که برپایه روانکاوی استوارند کاملاً متمایز می شوند، چرا که نظریه های روانکاوی مجموعه شخصیت و منش فرد را عامل اصلی کژرفتاری و انحراف می دانند - حال آنکه نظریه های انتقال فرهنگی انگیزش و تمایل فرد به نوع خاصی از کژرفتاری را محصول و معلول معلومات و یادگیری فرد می داند که به طور آشکار با زمینه های فرهنگی، محیط تربیتی و یادگیری اجتماعی ارتباط دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۵).

نظریه روانکاوی فروید

یکی از بهترین و پرآوازه ترین نظریات درباب منشاء و ریشه رفتار و نیز تبیین روانی کژرفتاری و انحراف نظریه روانکاوی فروید است. او نخست در نظریه شخصیت، کژرفتاری را به عنوان گونه ای بیماری روانی در نظر آورده که از نابسامانی ها در یکی از لایه های سه گانه شخصیت (نهاد، خود و فراخود) فرد و یا روابط آنها با یکدیگر پدید می آید. او معتقد است کجروی ها و جرائم افراد به شرایط روانی و وضعیت شخصیتی آنها مرتبط است. به نظر فروید رفتار اجتماعی بوسیله کشش های اساسی بیولوژیک ظرفیت فکری یا خود و بالاخره تجربه های اجتماعی یا خودبرتر شکل می گیرد و جریان جامعه پذیری افراد در کشش روانی نقش مهمی ایفا می کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۵).

پیشینه پژوهش

- محمد رحیمی، دانشجوی رشته تربیت بدنی در رساله خود با عنوان "بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال از دیدگاه مدیران و مربیان باشگاه های شهر تهران" آورده است که هدف از انجام این تحقیق، بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در خشونت و پرخاشگری تماشاگران فوتبال از دیدگاه مدیران و مربیان باشگاه های شهر تهران می باشد و از روش توصیفی پیمایشی بهره برده است و با استفاده از آزمون های مختلف جهت رتبه بندی عوامل مؤثر در خشونت به یافته های زیر دست یافته است.
یافته های تحقیقی نشان داد که رفتار مربی و بازیکن مورد علاقه، اولین عامل مؤثر در خشونت و پرخاشگری تماشاگران از دید مدیران و مربیان می باشد و پس از آن، برد و باخت، عدم امکانات رفاهی و عدم رضایت از داوری در رتبه های بعدی قرار دارند.
- نوح منوری بیگدلی، دانشجوی ارشد جامعه شناسی در رساله خود با عنوان "ارزیابی سیاست های فرهنگی کنونی ایران" که با روش تحلیل محتوا صورت پذیرفته است، بر ارزیابی سیاست های فرهنگی کنونی ایران پرداخته است. وی پس از تدوین چهارچوب ارزیابی و پیداکردن نتیجه ها و مقوله های مورد نیاز در تحلیل محتوا، به طرح برداشت ها و تعبیر مختلفی که از فرهنگ وجود دارد و تأثیر هر یک بر سیاست گذاری می پردازد. همچنین، ابعاد مختلف سیاست گذاری فرهنگی واکاوی شده و سپس مروری کلی به جریان های فرهنگی موجود در جامعه ایران دارد. او مقوله های کلی که در تحلیل محتوای سیاست های فرهنگی مورد استفاده قرار می گیرد را به شرح زیر اعلام می دارد: نوع گزاره های سیاست گذاری، تعریف فرهنگی به کار گرفته شده، سرمشق و منشا، کارکرد مورد انتظار از فرهنگ، حوزه سیاست گذاری شده، محدوده فرهنگ، ویژگی مورد تأکید از فرهنگ و نهاد متولی اجرای سیاست مورد نظر. یافته های تحقیق نشان می دهد که در سیاست های فرهنگی ایران، تعریف وسیعی از فرهنگ مورد نظر است و بیشتر حجم سیاست های فرهنگی ایران را، ارزش گذاری و هدف گذاری تشکیل داده است نه سیاست به معنای واقعی کلمه.
- مقاله "رفتارهای تهاجمی تماشاگران فوتبال و عوامل روانی و اجتماعی آن" (محسن پاک نژاد، کمال دوانی، ۱۳۸۸) به انواع و میزان رفتارهای اجتماعی در استادیوم های ورزشی فوتبال و نیز بررسی ارتباط عوامل فردی تماشاگران، رفتار کلامی مدیران و کارکنان استادیوم، جبهه گیری و سوگیری رسانه های ورزشی، الگو برداری از تماشاگران تیم های معروف جهانی، داوری بازی ها و روحیه خشونت طلبی تماشاگران با رفتارهای تهاجمی تماشاگران پرداخته است. همانگونه که مشخص است این مقاله در تبیین مسئله می تواند به تحقیق حاضر کمک کند.

• مقاله "عوامل روان شناختی موثر بر بروز رفتارهای تخریبی جمعی (مورد کاوی تماشاگران فوتبال)" (ابراهیم جان بزرگی، ۱۳۸۸) به بررسی عوامل موثر بر بروز رفتارهای تخریبی جمعی در میان گروه افراد پرداخته است. این بررسی با مورد کاوی تماشاگران فوتبال برای شناسایی عواملی که موجب بروز رفتارهای جمعی بویژه رفتارهای تخریبی می شود، انجام شده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که هنگامی که جمعی تشکیل می شود، واکنش های هیجانی از فردی به فرد دیگر سرایت می کند و این مسئله تا جایی پیش می رود که هویت و خویشتن داری فرد از بین می رود. مواردی چون: احساس گمنامی، نگرش ضد اجتماعی، عدم اعتماد به مسئولان، احساس ناکامی، پرخاشگری و... باعث از میان رفتن هویت و خویشتن داری فرد می شود.

گفتنی است که رویکرد این مقالات جامعه شناسانه است، اما آنچه ما در این جا به دنبال آن هستیم، زیر رویکرد تحلیل سیاست است. این تحلیل سیاست بر مسئله خشونت و پرخاشگری و نابهنجاری در رفتارهای فرهنگی - اجتماعی مخاطبان در حوزه ورزش متمرکز است.

روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در انجام این پژوهش، روش نظریه زمینه ای است. نظریه زمینه ای، یک روش تحقیق کیفی است که برای بررسی فرایندهای اجتماعی موجود در تعاملات انسانی و ساختار و روندی که به آن منجر شده است، به کار می رود. با استفاده از این روش، نظریه ای با روش استقرایی از تجارب روزمره، تعاملات، مستندات، ادبیات و مشاهدات، کشف می شود (استرابت و کارپنتر، ۱۹۹۹، به نقل از حاج باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۸۶). با توجه به اینکه ارزیابی آسیب شناسانه از سیاست های فرهنگی ایران در حوزه ورزش با تاکید بر نابهنجاری های فرهنگی - اجتماعی تماشاگران در مجموعه های ورزشی نیز عمدتاً به عنوان فرایندی اجتماعی مورد نظر است که در تعاملات افراد با یکدیگر شکل می گیرد، بنابراین روش تحقیق نظریه زمینه ای می تواند به عنوان یکی از بهترین روش ها در این حیطه، مورد استفاده قرار گیرد. شایان ذکر است که منظور از نظریه زمینه ای، نظریه ای در مقیاس متوسط است؛ یعنی، نظریه ای که بین فرضیه و نظریه کاملاً تعمیم یافته قرار دارد و مربوط به یک موقعیت خاص می باشد (اسکافیلد، ۲۰۰۱). جامعه آماری در این پژوهش جامعه شناسان، مدیران و متولیان فرهنگی و مدیران عرصه ورزش می باشند که از این تعداد ۱۶ نفر با روش گلوله برفی به عنوان نمونه جهت انجام مصاحبه در نظر گرفته شدند.

مراحل انجام پژوهش

جهت انجام پژوهش حاضر توسط روش کیفی نظریه زمینه ای، گام های زیر طی شدند:
گام اول: تصریح گروه مورد مطالعه و برقراری تعامل با آنان؛

گام دوم: مصاحبه؛

گام سوم: تحلیل مصاحبه؛

قابلیت اعتماد داده ها

جهت تامین اعتبار روش نظریه زمینه ای از معیارهای چهارگانه گابا و لینکلن^۱ (۱۹۹۴) استفاده شد. این صاحب نظران در پژوهش های کیفی از این اصطلاح با عنوان قابلیت اعتماد^۲ از رعایت چهار معیار شامل باور پذیری^۳، انتقال پذیری^۴، اطمینان پذیری^۵ و تایید پذیری^۶ نام می برند.

باور پذیری، بیانگر میزان باور داشتن به یافته های پژوهش است. مفهوم انتقال پذیری شبیه به مفهوم اعتبار بیرونی است و به کاربرد یافته های پژوهش ارتباط دارد. اطمینان پذیری نیز عبارت از توانایی شناسایی چگونگی گردآوری و کاربرد داده های جمع آوری شده، می باشد. سرانجام، تایید پذیری به کیفیت عینی^۷ گزارش طبیعت گرایانه کیفی اشاره دارد. در این رابطه پژوهشگر باید نشان دهد که یافته های وی واقعا مبتنی بر داده ها هستند. این معیار با استاندارد سازی روش ها تا حد امکان و نیز یادداشت کردن همه بینش ها و تصمیم های مربوط به پژوهش کامل می شود (محمد پور، ۱۳۸۸).

یادآوری می شود با توجه به شرایط موجود و محدودیت های حین مصاحبه ها، دو معیار اطمینان پذیری و تایید پذیری در پایان مصاحبه ها مورد توجه قرار گرفت و به تایید مصاحبه شوندگان رسید.

روش تحلیل داده ها

هدف عمده پژوهش کیفی، بررسی عمیق و کسب شناخت در خصوص مفاهیم گوناگون است. برای دست یافتن به این مفاهیم دقیق، روش تئوری زمینه ای انتخاب شد. رویکرد زمینه ای حاضر از رویکرد زمینه ای سیستماتیک (استراوس و کوربین) سود برده که از طریق کد گذاری در سه مرحله شامل کد گذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی (هسته ای) به تدوین نظریه انجامیده است - طی آن محقق به جدا سازی مفهوم بندی و ادغام و یکپارچه کردن داده ها می پردازد. در این فرایند، واحد بنیادین "مفهوم" است.

در کدبندی باز که اولین مرحله کدبندی است، داده ها سطر به سطر یا به صورت پارگرافی کدبندی و مفهوم بندی می گردند. در مرحله بعدی یعنی مرحله کد گذاری محوری، مفاهیم بر اساس اشتراکات و یا هم معنایی در کنار هم قرار گرفته و مقوله محوری را تشکیل می دهند و در نهایت، در مرحله کدگذاری

1 Lincoln & Guba

2 trustworthiness

3 credibility

4 transferability

5 dependability

6 conformability

7 qualitative objectivity

گزینشی، مهمترین موضوع پژوهش استخراج می گردد. کدبندی مستلزم دقت فراوان است، چراکه در مدل زمینه ای نهایی، این مقولات سهم عمده ای دارند و شرایط و پیامدها را به تصویر می کشند. در پژوهش حاضر، مرحله کدگذاری باز در دو سطح کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی در تحلیل داده ها اجرا و در نهایت تئوری زمینه ای ارائه شده است.

کدگذاری هسته ای	کدگذاری محوری	کدگذاری	
		کدگذاری سطح بازسطح دوم	کدگذاری سطح بازسطح اول
<p>با توجه به ابعاد مختلفی که برشمرده شد، باید در سیاست های فرهنگی، استراتژی ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت ها در حوزه ورزش توجه خاصی نمود؛ به ویژه در رشته فوتبال که با هویت ملی و قومی ما گره خورده است. بدیهی است سیاست های فرهنگی در ایران باید با وسواس و آگاهی و از یک سازماندهی منسجم و خوبی برخوردار باشد.</p>	<p>۱- لزوم بازنگری در سیاست های خارجی با توجه به اهمیت ورزش در مجامع بین المللی و همچنین برنامه ریزی در سیاست های داخلی با توجه به نقش کلیدی ورزش و جایگاه آن در بین جوانان در قالب برنامه های بلند مدت.</p>	<p>بعد سیاست فرهنگی: _ وجود نوعی از سرگردانی در حوزه ورزش بخوبی نشان از عدم وجود یک برنامه و سیاست کلان در قالب برنامه های پنج ساله و بلند مدت دارد. _ با دقت در اسناد بالادستی و برنامه های توسعه کشور متوجه خواهیم شد که آنچه با عنوان سیاست های فرهنگی آمده، موضوعاتی کلی و باز می باشد که دایره شمول آن مشخص نیست. _ ورزش رسانه ای موثر و تریبونی همانند یک سخنرانی است. _ ورزش یکی از مهمترین دروازه های گفتگو با سایر ملت ها و دولت هاست. _ شادی ورزشی، حس خوب زیستن در جامعه مدرن و مشارکت در آن است. _ شادی ورزشی، نوعی شادی دموکراتیک نیز هست.</p>	<p>بعد سیاست فرهنگی: _ ما در شناخت مقوله ورزش و فلسفه وجودی آن دچار مشکلات عدیده ای هستیم. به همین دلیل، متعاقب آن در سیاستگذاری فرهنگی در حوزه ورزش زبان گفتمانی ورزش را نمی دانیم. _ عدم شفافیت در سیاست های فرهنگی در حوزه های عمومی به خصوص ورزشی از دیگر نکات مورد توجه است. _ شاهد فعالیت سازمان های موازی در امر فرهنگی هستیم. _ با توجه به اهمیت و فراگیر بودن مقوله فرهنگ و ابعاد آن، بهره گیری از نظرات و مشاوره های نخبگان و کارشناسان جامعه شناسی در امر سیاستگذاری ضروری می نماید. _ ورزش یک دیپلماسی است. (هم در عرصه داخلی و هم در عرصه خارجی) _ ورزش قوای سیاسی را بر می انگیزاند.</p>
	<p>۲- اثرگذاری پر دامنه این بعد و متعاقب آن عدم توجه به هر یک از مقوله های ذکر شده که بنوعی همه اقشار جامعه از بود یا نبود آن منتفع می</p>	<p>بعد اجتماعی - فرهنگی: _ ورزش گنجینه بزرگی از نمادها و نشانه هاست. _ ورزش مثل یک بازی تئاتر است. پس هنر است. _ ورزش یک مبارزه است. در ورزش صلحی نداریم.</p>	<p>بعد اجتماعی - فرهنگی: _ ورزش راهبردی میانجی برای کمک به حل مسائل اجتماعی است. _ ورزش بخشی از سبک زندگی است. _ به عنوان شاخص تمدن در یک صنعت تکاملی است. _ هدف ورزش ارتباطات است. (و خود</p>

<p>گردند. لزوم تصحیح نگاه حاکمیتی و ورود به این مقوله با تشکیل کارگروه های تخصصی و استفاده از پتانسیل های علمی کشور.</p> <p>۳- توجه به کارکردهای اقتصادی ورزش در جهت جذب سرمایه و ایجاد مشاغل جدید</p>	<p>_ ورزش هویت زدایی می کند(در سطح قهرمانان).</p> <p>_ مخاطبان در دنیای هویت و فرهنگ خودشان قرار دارند.</p> <p>_ فوتبال به مثابه کنش اجتماعی، می تواند عامل اجتماعی شدن باشد (در سطح آماتوری).</p> <p>_ بروز تحولات اجتماعی از خلال فوتبال، نشان از اعتراضی شدن فوتبال دارد و نوعی واکنش "کژکارکردی" است.</p> <p>_ یک برنامه ریزی مطلوب فراغتی از نوع ورزشی، منجر به کاهش آسیب پذیری نسل جوان می گردد.</p> <p>_ از جمله عوامل آسیب زا در مدیریت ورزش عبارت اند از: نبود هماهنگی میان نهادهای فراغتی، برنامه- محور نبودن و مقطعی بودن آنها در تابستان، عدم صرف مناسب بودجه های تخصیص داده شده، کم توجهی به فرهنگ سازی ورزش برای جوانان و خانواده ها، تمرکز به ورزش قهرمانی در رسانه ها، عدم وجود آموزش و اطلاع رسانی درست و غلبه جنبه های کمی مثل جذب تعداد افراد بیشتر بر جنبه های کیفی.</p> <p>بعد اقتصادی - فرهنگی:</p> <p>_ نوعی دوگانگی در ورزش به وجود آمده (ورزش پدیده ای اقتصادی- فرهنگی شده) در عین حال، بعدی هویتی- قومی هم پیدا کرده است.</p> <p>_ صنعت فوتبال منجر به ورود گسترده عوامل فساد، احساسات خشن و اوباشگری، پولشویی و قوم گرایی می شود که به روابط اجتماعی ضربه می زند.</p>	<p>یک فرستنده است که گیرندگانی به عنوان مخاطب دارد، شامل تماشاچیان، خوانندگان مجلات و یا شنوندگان رادیو (ورزش)</p> <p>_ ورزش هویت را بر می انگیزاند و تقابل های هویتی ایجاد می کند.</p> <p>_ بنا به قاعده "دموکراسی فرهنگی"، در حوزه سیاستگذاری فرهنگی نباید دید خود مطلق انگارانه داشته باشیم.</p> <p>_ هراندازه راه را برای پژوهش های اجتماعی فرهنگی باز کنیم، امکان رسیدن به راه حل هایی در گره گشایی از مشکلات موجود در این حوزه (ورزش) را بیشتر کرده ایم و هر اندازه به سوی راه حل های آمرانه و انضباطی صرف پیش رویم، تبعات منفی میان مدت و دراز مدت آن بیشتر خواهد شد.</p> <p>_ ورزش رشته ای بین رشته ای و یک نهاد اجتماعی و پدیده اجتماعی فرهنگی فراگیر است.</p> <p>_ وجود دو دسته فراغت موثر و فراغت مخرب و لزوم توجه خانواده به این موضوع و همچنین دو دسته تفریحات فردی و خانوادگی.</p> <p>بعد اقتصادی - فرهنگی:</p> <p>_ ورزش تجارت است و هویتی اقتصادی دارد.</p> <p>_ کالایی شدن، نمایشی شدن، ورود عناصر بسیار نامطلوب و سودآوری درون این ورزش، منشاء گروهی از آسیب های اجتماعی خرد و کلان می باشد.</p> <p>_ کمبود فضاهای ورزشی منجر به این شده است که مراکز تجاری و دانشگاه ها محل گذران اوقات فراغت شود.</p> <p>بعد فرهنگ ورزش:</p>
--	---	--

<p>۴- توجه به رعایت اخلاق در ورزش و اثرات بت انگاری و اسطوره شدن ورزشکاران</p>	<p>بعد فرهنگ ورزش:</p> <p>_ در دنیای امروزی، حضور شکلی ورزش (تاسیس باشگاه ها) مبنی بر احساس نیاز فرهنگی - اجتماعی صورت می گیرد، ولی در ایران بر مبنای وجود احساس سیاسی است.</p> <p>_ فوتبال افیون ملت هاست.</p>	<p>_ فرهنگ ورزشی ابعاد مختلف دارد. (فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی ورزشی)</p> <p>_ عدم تعریف دقیق از مفاهیم در ورزش و عدم ارائه مدل و ابهام در هویت ورزش، آسیب مهمی است.</p> <p>_ نبود فلسفه در ورزش ایران: به طوری که ورزش بر مبنای یک فلسفه ای وارد کشورهای مختلف شده است، ولی در ایران ورزش بدون فهم فلسفه وجودی آن وارد شده و باعث گردیده تا در ورزش یک عدم رشد و تولد طبیعی به چشم بخورد.</p>
<p>۵_ تمایز بین مخاطب و تماشاچی و نگاه جامعه شناسی به این امر.</p> <p>۶_ با توجه به اهمیت نهاد ورزش و حضور انواع اقوام با فرهنگ های متفاوت در مجموعه های ورزشی، ضرورت کار فرهنگی جهت فراهم آوردن بستری خالی از تنش احساس می شود.</p>	<p>بعد مخاطب مداری:</p> <p>_ در ایران بجز تفاوت در تیم های مورد علاقه، متغیر فرهنگی - اجتماعی مهم دیگری به چشم نمی خورد و طرفداران از نظر متغیرهای فرهنگی - اجتماعی و حتی ورزشی تفاوت های معناداری باهم ندارند.</p> <p>بعد اهمیت نهاد ورزش در توسعه فرهنگی:</p> <p>_ اگر توسعه به طور صحیح هدایت نشود، تضادهای اجتماعی را در پی دارد. در جامعه ای که اوضاع نابسامان است و خشمی تلنبار شده در قشرهای گوناگون دیده می شود، بستری مهیاتر از عرصه ورزش برای تخلیه پیدا نمی شود.</p> <p>_ دانشکده های علوم ورزشی بطور کلی وظیفه اشاعه فرهنگ ورزش را دارند.</p>	<p>بعد مخاطب مداری:</p> <p>_ بی اطلاعی سیاستگذاران در حوزه سیاستگذاری، از اهمیت مخاطب و عدم بهره مندی از متخصصان امر از جمله جامعه شناسان و متخصصان امور فرهنگی در وزارت ورزش از اثربخشی فعالیت های فرهنگی در این حوزه می کاهد.</p> <p>بعد اهمیت نهاد ورزش در توسعه فرهنگی:</p> <p>_ بی توجهی به نقش مهم نهاد ورزش در کاهش انحرافات اجتماعی.</p> <p>_ ورزش به نوعی زبان مشترک بین همه مردم، فارغ از هرگونه تفاوت نژادی و زبانی به شمار می رود. این نهاد اجتماعی از ظرفیت بالایی در حوزه تربیتی و فرهنگی برخوردار است.</p>

بحث و نتیجه گیری

در این مقاله، با توجه به مدل ارزیابی آسیب های اجتماعی - اتا - سه حوزه تاثیر:

- فرهنگی
- مدیریتی/سیاسی
- نهادی/اجتماعی

مفروض گرفته شد با این استدلال که بروز ناهنجاری های فرهنگی در رفتار تماشاچیان در حوزه ورزش بدون ارتباط با تاثیر سیاست های فرهنگی در این سه حوزه نیست. انتخاب صاحب نظرترین اساتید جامعه شناسی، متولیان و مدیران فرهنگی، رؤسای فدراسیون های ورزشی و کارشناسان مجرب برای گفتگو و مصاحبه نیز بر اساس این مدل ارزیابی است.

یافته های این پژوهش از بعد سیاست فرهنگی

نتایج حاکی از آن است که اولاً، ما در شناخت مقوله ورزش و فلسفه وجودی آن دچار مشکلات عدیده ای هستیم. به همین منظور و متعاقب آن در سیاستگذاری فرهنگی در حوزه ورزش، زبان گفتمانی ورزش را نمی دانیم. به علاوه، وجود نوعی از سرگردانی در حوزه ورزش بخوبی نشان از عدم وجود یک برنامه و سیاست کلان در قالب برنامه های پنج ساله و بلند مدت دارد.. همچنین، عدم شفافیت در سیاست های فرهنگی در حوزه های عمومی به خصوص ورزشی از دیگر نکات مورد توجه است. با دقت در اسناد بالادستی و برنامه های توسعه کشور متوجه خواهیم شد که آنچه با عنوان سیاست های فرهنگی آمده است، موضوعاتی کلی و بازمی باشد که دایره شمول آن مشخص نیست و به نوعی تفسیرهای متفاوتی از آن ساطع می شود. از طرفی، متولی اقدام آن فعالیت ها نیز مشخص نیست و نوعی آشفتگی در آن دیده می شود. به همین دلیل ما شاهد فعالیت سازمان های موازی در امر فرهنگی هستیم. اگر در قانون یک سازمان اجتماعی، متولی امر سیاستگذاری های فرهنگی دیده شود، قطعاً با انسجام بیشتری به امر فرهنگ پرداخته خواهد شد و متعاقب آن، نحوه ارتباط با دانشگاه ها و استفاده بهینه از توان علمی کشور در این امر نمود پیدا می کند و باعث اعتلای فرهنگ جامعه خواهد گردید.

امروزه، شاهد بی توجهی به رده های سنی پایین اجتماع (نوجوانان و جوانان) در برنامه ها و سیاست های کلان جامعه می باشیم. این موضوع نه تنها در امر فرهنگ و ورزش، بلکه در بسیاری از زمینه های دیگر از جمله: آموزش و پرورش، نهاد خانواده، صدا و سیما، وزارت ارشاد و... نیز به چشم می خورد که البته در هریک باید کنکاش و پژوهش دقیقی صورت گیرد.

با توجه به اهمیت و فراگیر بودن مقوله فرهنگ و ابعاد آن، بهره گیری از نظرات و مشاوره های نخبگان و کارشناسان جامعه شناسی در امر سیاستگذاری ضروری می نماید- موضوعی که به نظر می رسد کمتر به آن بها داده شده و معمولاً از اهل فن در زمینه تخصصی (در هر حوزه ای) بهره کمتری گرفته می شود.

یافته های تحقیق از بعد اجتماعی - فرهنگی

- ورزش، راهبردی میانجی برای کمک به حل مسائل اجتماعی است.

- ورزش، بخشی از سبک زندگی است.
- ورزش، گنجینه بزرگی از نمادها و نشانه هاست.
- به عنوان شاخص تمدن در یک صنعت تکاملی است.
- هدف ورزش ارتباطات است (و خود یک فرستنده است که گیرندگان به عنوان مخاطب دارد شامل تماشاچیان، خوانندگان مجلات و یا شنوندگان رادیو ورزش)
- ورزش، مثل یک بازی تئاتر است. پس هنر است.
- ورزش، هویت را بر می انگیزاند و تقابل های هویتی ایجاد می کند.
- ورزش، یک مبارزه است. در ورزش صلحی نداریم.
- ورزش، هویت زدایی می کند (در سطح قهرمانان).
- مخاطبان در دنیای هویت و فرهنگ خودشان قرار دارند.
- بنا به قاعده "دموکراسی فرهنگی"، در حوزه سیاستگذاری فرهنگی نباید دید خود مطلق انگارانه داشته باشیم.
- فوتبال به مثابه کنش اجتماعی، می تواند عامل اجتماعی شدن باشد (در سطح آماتوری).
- بروز تحولات اجتماعی از خلال فوتبال، نشان از اعتراضی شدن فوتبال و نوعی واکنش "کژکارکردی" دارد.
- هراندازه راه را برای پژوهش های اجتماعی - فرهنگی باز کنیم، امکان رسیدن به راه حل هایی در گره گشایی از مشکلات موجود در این حوزه (ورزش) را بیشتر کرده ایم و هر اندازه به سوی راه حل های آمرانه و انضباطی صرف پیش برویم، تبعات منفی میان مدت و دراز مدت آن بیشتر خواهد شد.
- ملی گرایی ورزشی یعنی فرایند پیوند متقابل ملی گرایی و ورزش .
- ورزش، رشته ای بین رشته ای است و یک نهاد اجتماعی و یک پدیده اجتماعی - فرهنگی فراگیر به شمار می آید.
- یک برنامه ریزی مطلوب فراغتی از نوع ورزشی منجر به کاهش آسیب پذیری نسل جوان می گردد.
- از جمله عوامل آسیب زا در مدیریت ورزش عبارت اند از: نبود هماهنگی میان نهادهای فراغتی، برنامه - محور نبودن و مقطعی بودن آنها در تابستان، عدم صرف مناسب بودجه های تخصیص داده شده، کم توجهی به فرهنگ سازی ورزش برای جوانان و خانواده ها، تمرکز بر ورزش قهرمانی در رسانه ها و عدم وجود آموزش و اطلاع رسانی درست و غلبه جنبه های کمی مثل جذب تعداد افراد بیشتر بر جنبه های کیفی.
- وجود دو دسته فراغت موثر و فراغت مخرب و لزوم توجه خانواده ها به این موضوع و همچنین دو دسته تفریحات فردی و خانوادگی.

- توجه به وجود رابطه میان غرور بی جا و ضربه انضباط و یا عدم تمکین با قانون در فرهنگ جامعه و اجتماعات که از جمله دلایل توسعه نیافتگی ورزش ایران است در بروز بداخلاقی ها و اشاعه آن میان تماشاچیان.
- به نظر می رسد با حضور بانوان و خانواده ها در ورزشگاه ها برای تماشای رویدادهای ورزشی، می توان نظارت و کنترل اجتماعی را در ورزشگاه تا حد زیادی افزایش داد، زیرا خرده فرهنگ اوباشگری در مقابله با فرهنگ ناموس پرستی، فرصت ابراز وجود و آلوده سازی محیط ورزشگاه را نخواهد یافت.
- عدم شفافیت موضوع ورزش بانوان و نحوه حضور آنان در محافل ورزشی داخلی و خارجی، با توجه به محدودیت های اسلامی- ایرانی و وجود گزارشات موجود حاکی از کز رفتاری های به مراتب بیشتر از آقایان در میان بانوان، نیاز به تحلیل های جامعه شناسی در جای خود دارد تا این اطمینان حاصل شود که پاک کردن صورت مسئله به جای حل مسئله ننشسته است.

یافته های تحقیق از بعد سیاسی - فرهنگی

- ورزش، یک دیپلماسی است. (هم در عرصه داخلی و هم خارجی)
- ورزش، رسانه ای موثر و تریبونی همانند یک سخنرانی است.
- ورزش، قوای سیاسی را بر می انگیزاند.
- ورزش، یکی از مهمترین دروازه های گفتگو با سایر ملت ها و دولت هاست.
- شادی ورزشی، حس خوب زیستن در جامعه مدرن و مشارکت در آن است.
- شادی ورزشی، نوعی شادی دموکراتیک نیز هست.

یافته های تحقیق از بعد اقتصادی - فرهنگی

- ورزش، تجارت است و هویتی اقتصادی دارد.
- اینک، نوعی دوگانگی در ورزش به وجود آمده (ورزش پدیده ای اقتصادی- فرهنگی شده است) در عین حال، بعد هویتی قوی هم پیدا کرده است.
- کالایی شدن، نمایشی شدن، ورود عناصر بسیار نامطلوب و سودآوری به ورزش، منشاء گروهی از آسیب های اجتماعی خرد و کلان می باشد.
- صنعت فوتبال منجر به ورود گسترده عوامل فساد، احساسات خشن و اوباشگری، پولشویی و قوم گرایی می شود که به روابط اجتماعی ضربه می زند.
- کمبود فضاهای ورزشی منجر به این شده است که مراکز تجاری و دانشگاه ها به محل گذران اوقات فراغت تبدیل شود.

یافته های تحقیق از بعد فرهنگ ورزش

- فرهنگ ورزشی ابعاد مختلفی دارد. (فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی ورزشی)
- فوتبال، افیون ملت هاست.
- نبود فلسفه در ورزش ایران: ورزش بر مبنای یک فلسفه ای وارد کشورهای مختلف شده است، ولی ورود ورزش به ایران بدون فهم فلسفه وجودی آن باعث شده تا در ورزش شاهد نوعی عدم رشد و تولد طبیعی باشیم.
- در دنیای امروزی، حضور شکلی ورزش (تاسیس باشگاه ها) مبنی بر احساس نیاز فرهنگی - اجتماعی صورت می گیرد، ولی در ایران، بر مبنای وجود احساس سیاسی است.
- فقدان تعریف دقیق از مفاهیم در ورزش و عدم ارائه مدل و ابهام در هویت ورزش، آسیب مهمی است.

یافته های تحقیق از بعد مخاطب مداری

- تفاوت های تماشاگران فوتبال با سایر رشته ها مثل تنیس (با عنوان فرهنگ مخاطب)
- بی اطلاعی سیاستگذاران در حوزه سیاستگذاری از اهمیت مخاطب و عدم بهره مندی از متخصصان امر از جمله جامعه شناسان و متخصصان امور فرهنگی در وزارت ورزش از اثربخشی فعالیت های فرهنگی در این حوزه می کاهد.
- در ایران بجز تفاوت در تیم های مورد علاقه، متغیر فرهنگی - اجتماعی مهم دیگری بچشم نمی خورد و طرفداران از نظر متغیرهای فرهنگی - اجتماعی و حتی ورزشی تفاوت های معناداری با هم ندارند.

یافته های تحقیق از بعد اهمیت نهاد ورزش در توسعه فرهنگ و توسعه فرهنگی

- بی توجهی به نقش مهم نهاد ورزش در کاهش انحرافات اجتماعی
- اگر توسعه به طور صحیح هدایت نشود، تضادهای اجتماعی را در پی دارد. در جامعه ای که اوضاع نابسامان است و خشمی تلنبار شده در قشرهای گوناگون دیده می شود، بستری مهیاتر از عرصه ورزش برای تخلیه پیدا نمی شود.
- ورزش به نوعی زبان مشترک بین همه مردم، فارغ از هرگونه تفاوت نژادی و زبانی به شمار می رود. این نهاد اجتماعی، از ظرفیت بالایی در حوزه تربیتی و فرهنگی برخوردار است.
- دانشکده های علوم ورزشی بطور کلی وظیفه اشاعه فرهنگ ورزش را دارند.

پیشنهادها

در بعد سیاست فرهنگی

با توجه به یافته های این بعد و نیز اهمیت ورزش در مجامع بین المللی، لزوم بازنگری در سیاست های خارجی به خصوص در حوزه ورزش بیشتر نمایان می شود. با مدنظر قرار دادن این موضوع که ورزش یک

رسانه است، می توان با یک برنامه ریزی عقلانی و مدون علاوه بر آوردن نشاط به درون کشور، نسبت به تبلیغ فرهنگ ایرانی- اسلامی خود در مقیاس وسیع جهانی اقدام و از فرصت سوزی جلوگیری نماییم. به عنوان مثال، اکنون بیش از چهل سال است که نتوانسته ایم در مسابقات المپیک در رشته فوتبال که برای ما از اهمیت ویژه ای نیز برخوردار است، حضور داشته باشیم که همین موضوع بر فقدان برنامه ای دقیق و مدون دلالت دارد.

در بعد اجتماعی فرهنگی

- با توجه به یافته های این بعد و اثرگذاری پر دامنه آن که عدم توجه به هریک از مقوله های ذکر شده که بنوعی همه اقشار جامعه از بود و نبود آن منتفع می گردند، پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:
- پذیرش واقعیتی غیر قابل انکار به عنوان وجود و رسوخ خشونت فرهنگی در بین مخاطبان ورزش مدرن علیرغم نوستالژی های مربوط به ورزش سنتی تحت هر پیش فرضی؛
 - تشکیل کار گروه جامعه شناسی مخاطب در وزارت ورزش به منظور سامان دهی نیازمندی جوانان در این حوزه؛
 - تصحیح نگاه حاکمیتی و مردم به فرهنگ شادی با محوریت اصالت بخشی به نگاه اجتماعی و فرهنگی؛
 - مکانیسم های کنترلی قدیم از بین رفته و مکانیسم های کنترلی جدیدی هم جایگزین نشده است. بهتر است یک مکانیسم کنترلی جدید با توجه به شرایط فرهنگی- اجتماعی جامعه و منطبق با اصول اسلامی طراحی و تدوین شود؛
 - لزوم انتقال مفاهیم فرهنگی و دستاوردهای دانشگاه در حوزه ورزشی و آگاه سازی و تقویت ذهنی و فکری جامعه در این زمینه امری است که باید به خصوص از طریق رسانه ها مورد تاکید قرار گیرد؛
 - بررسی و ارزیابی اثرات عرفی کردن و یا سکولاریزه کردن جامعه از لحاظ فرهنگی؛
 - تعیین نهادی نظارتی مختص فوتبال و برخورد با عوامل فساد (مالی، پولشویی، اوباشگری و قوم گرایی که نظم اجتماعی را به خطر می اندازد) در هر سطح به منظور جلوگیری از فرافکنی های موجود؛
 - مشخص نمودن تکلیف بانوان در خصوص حضورشان در ورزشگاه ها چرا که ممنوعیت بیهوده، نوعی جذابیت کاذب ایجاد می نماید.

در بعد سیاسی فرهنگی

- ایجاد چتر حمایتی از سوی حاکمیت بر سر فعالان و فعالیت های تعریف شده غیردولتی در این عرصه؛
- به کارگیری مدیران در حوزه های تخصصی خود تا در بحث های محتوایی حرفی برای گفتن داشته باشند و دچار ضعف نگردند؛

- توجه به ابعاد فرهنگ ورزش (فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی ورزشی)؛
- مشخص شدن سازمان اجتماعی سیاستگذاری فرهنگی ورزش؛
- در سیاستگذاری ها، کل و جزء با هم دیده شود؛
- برای هر سنخی از جامعه باید با زبان خودشان حرف زد و برنامه ریزی کرد؛
- بهره مندی از متخصصان جامعه شناس و متخصصان امور فرهنگی در امر سیاستگذاری های فرهنگی و متعاقب آن، استفاده از این متخصصان به عنوان مشاور در حوزه وزارتخانه ورزش؛
- بررسی علمی و دقیق از وضعیت فرهنگ در فرهنگ سیاستگذاری که مبنای تصمیمات و برنامه ها قرار گیرد؛
- تعیین حدود حوزه دخالت دولت در امر فرهنگ (آیا باید دخالتی وجود داشته باشد. اگر بلی، به چه میزان؟)
- مشارکتی کردن سیاستگذاری فرهنگی در نهادها؛
- مادامی که به شناخت و آگاهی درست از استعدادها و نیازهای جامعه آن هم در زمانی بهنگام نرسیم، نمی توانیم شاهد برنامه ریزی های موثر در جامعه فرهنگی باشیم (این شناخت و آگاهی چگونه و از جانب چه کسانی باید حاصل شود)؛
- جایگاه نخبگان فرهنگی در سیاستگذاری های فرهنگی؛
- نباید در سیاستگذاری فرهنگی به گونه ای عمل شود که تنها برای گروه اقلیتی اقلیت افق کننده باشد؛
- در سیاست فرهنگی؛ نهادهایی که وجهه فرهنگی دارند (ذینفعان فرهنگ) باید حضور داشته باشند؛
- جهت داشتن سیاست های فرهنگی موثر، مولفه های مورد نیاز شناسایی شود؛
- بهره گیری از توان علمی و تجربی جامعه شناسان، مدیران و کارشناسان فرهنگی به عنوان مشاور در وزارت ورزش و فدراسیون های ورزشی؛
- تغییر میزان دخالت دولت در فرهنگ و نوع آن از میزان حداکثری به یک سطح میانی و متوسط؛
- در سیاستگذاری فرهنگی باید قلمرو سیاستگذاری ها و میزان آنها مشخص باشد.

در بعد اقتصادی فرهنگی

- همانگونه که ورزش بعد اقتصادی پیدا کرده، به همان میزان نیز عواقب مخرب فرهنگی به دنبال دارد. لذا علاوه بر امعان نظر بر یافته های این بخش و لزوم سیاستگذاری فرهنگی به جهت جلوگیری از کالایی شدن ورزشکاران، پیشنهاد می نماید:
- تعیین نهادی نظارتی مختص فوتبال و برخورد با عوامل فساد (مالی، پولشویی، اوباشگری و قوم گرایی که نظم اجتماعی را به خطر می اندازد) در هر سطح بمنظور جلوگیری از فرافکنی های موجود؛

- توجه به ورود کالاهای ورزشی با مارک هایی که مغایر باملاک های اخلاقی و عرفی ایرانی و اسلامی است؛

- ایجاد مکان های ورزشی برای جذب حداکثری نوجوانان و جوانان که این امر علاوه بر جنبه ورزشی با توجه به ایجاد اماکن جانبی از بعد اقتصادی نیز امکان فراهم آمدن مشاغل دیگر را در پی خواهد داشت.

در بعد فرهنگ و ورزش

- رابطه رسانه ها با ورزشکاران باید براساس یک سازوکار و روند عقلانی به دور از احساس صورت پذیرد؛

- معضلات و مشکلات ورزشی باید در دانشگاه مطرح شود و برنامه ریزی های مرتبط با آن طرح و مورد بررسی قرار گیرد که متأسفانه به دانشکده های علوم ورزشی اهمیت لازم داده نمی شود؛

- لزوم انتقال مفاهیم فرهنگی و دستاوردهای دانشگاه در حوزه ورزشی و آگاه سازی و تقویت ذهنی و فکری جامعه در این زمینه امری است که باید به خصوص از طریق رسانه ها مورد تاکید قرار گیرد؛

- توجه به بحث اخلاق در ورزش حرفه ای و قهرمانی کشور؛

- باید تعریف دقیقی از مفاهیم در ورزش داشته باشیم و برآن اساس نسبت به ارائه مدل و اقدامات اقدام گردد؛

- بررسی اثرات اسطوره شدن، مد گرایی و بت انگاری ورزشکاران نزد تماشاگران و ارائه راهکارهای پیشگیرانه؛

- بررسی اثرات "الینه" شدن "alienation" (ازخود بیگانگی) ورزشکاران حرفه ای و تاثیر متقابل بر روی تماشاگران.

در بعد مخاطب مداری

با توجه به اینکه در ایران بجز تفاوت در تیم های مورد علاقه، متغیر فرهنگی - اجتماعی مهم دیگری به چشم نمی خورد و طرفداران از نظر متغیرهای فرهنگی - اجتماعی و حتی ورزشی تفاوت های معناداری باهم ندارند و نیز از آن جا که عمده ناهنجاری ها در رشته های پر طرفدار تیمی است و تماشاگران نیز اغلب از قشر جوان می باشند، بهره گیری از مشاوران خبره و متخصص جهت ارائه راهکارهای فراغتی حین برگزاری مسابقات و بعد از آن و تبدیل ورزشگاه به محیط فرهنگی امن و جذاب برای حضور خانواده ها - به عنوان مثال، ایجاد نمایشگاه یا بازارچه های مختلف و..... می تواند راه گشا باشد.

در بعد اهمیت نهاد ورزش در توسعه فرهنگی

- ابتدا باید آسیب ها و خود باختگی های ورزشی را شناسایی کنیم. سپس، در حوزه عملی، در جامعه ورزش کشور و در حوزه نظری، در مراکز دانشگاهی و آکادمیک با فکر و تدبیر به اصلاح سیاست های فرهنگی بپردازیم؛
- عدم اهمیت دادن به جنبه های فرهنگی - اجتماعی و هویتی و الگوسازی و تربیت بدنی در رشته های علوم اجتماعی و علوم ورزشی؛
- باید تحلیل های ساختاری عمیقتری در مورد اینکه چرا در یک جامعه انحرافات زیاد می شود، داشته باشیم؛
- برای توسعه ورزش، عناصر پشتیبان مانند آموزش و پرورش و باشگاه ها نیز باید با هم تعامل ارگانیکی داشته باشند؛
- مراکز آموزش و غیر آموزشی حرفه ای و غیر حرفه ای ورزش خود یک حوزه کار آفرین بسیار بزرگ جامعه را تشکیل می دهند که باید مدیریت شوند.
- اصلاح نهاد مدیریت ورزش (مسیر ورود ایده های علمی به نهاد ورزش فراهم شود)؛
- یک برنامه ریزی دقیق و مدون برای ورزش کشور به ویژه در سطح فدراسیون های ورزشی، مسئله نگاه آزمایش و خطا به ورزش را به حداقل می رساند.

موانع تحقیق

در این پژوهش، موانع و مشکلات زیر پیش روی محقق قرار داشت:

۱- عدم همکاری تعدادی از مدیران و روسای فدراسیون های ورزشی؛

۲- خود سانسوری تعدادی از نمونه ها؛

۳- مشکلات مسافت و ترافیکی محقق جهت حضور بموقع در وقت مصاحبه؛

۴- عدم تمایل برخی از نمونه ها به ثبت و ضبط مصاحبه توسط محقق.

پیشنهادات برای تحقیقات بعدی

در اینجا براساس (اتا)، پیشنهاداتی برای محققان بعدی در سه دسته ارائه می نمایم:

۱- در باب عامل سیاسی مدیریتی

- تکرار ارزیابی آسیب شناسانه از جنبه های اجتماعی - فرهنگی سیاست های فرهنگی در حوزه ورزش با ظرفیت سازی *capacity building* و نهادینه سازی الگوهای نوین ارزیابی سیاست ها در حوزه فرهنگ و فرهنگ عمومی برای ارائه نتایج بهتر به منظور رفع نیاز تصمیم سازان برای اخذ تصمیمات مسوولانه تر؛
- ورزش به عنوان عامل افزایش سرمایه فرهنگی و توسعه دهنده سرمایه اجتماعی (تصحیح نگرش)؛

- تکیه بر اسناد بالادستی (درونی + بین المللی + کشورهای) که مسئله مشابه داشته اند (Benchmark) برای یافتن مسائلی شبیه این تحقیق.

۲- در باب عامل نهادی اجتماعی

- مقوله ایمنی و ورزش (فارغ از نگرش هنجاری)؛
- نسبت ورزش با سبک زندگی (فرهنگ های زندگی)؛
- شناسایی دوره های سیاستگذاری برای نهاد ورزش شامل پارادایم های اخلاق گرا، توفیق گرا و قهرمانی؛
- نگاه نهاد ورزش به مسائل فرهنگی چیست یا فرهنگ در نهاد ورزشی چه جایگاهی دارد؛
- کارکردهای ورزش در حوزه فرهنگی اجتماعی اقتصادی؛
- رابطه اقتصاد و ورزش.

۳- در باب عامل فرهنگی

- رابطه میان شهروندی و نهاد ورزش؛
- سیاستگذاری های فرهنگی معطوف به اخلاق؛
- تفاوت فرهنگ ورزشی با فرهنگ و ورزش؛
- پیوند ورزش و سیاست در جامعه؛
- ورزش چیست و رابطه آن با نهاد فرهنگ؛
- واکاوی مرز بین هویت ورزشی و هویت زدایی؛
- بررسی تاثیر ملی گرایی ورزشی یعنی فرایند پیوند متقابل ملی گرایی و ورزش.

در پایان، یادآوری می نماید که با توجه به ابعاد مختلفی که برشمرده شد، ما در سیاست های فرهنگی، استراتژی ها، برنامه ها، اقدام ها و فعالیت ها در حوزه ورزش باید به این جنبه ها توجه خاصی نماییم بویژه در رشته فوتبال که با هویت ملی و قومی ما گره خورده است. بدیهی است که سیاست های فرهنگی در ایران باید با وسواس و آگاهی اتخاذ شود و از یک سازماندهی منسجم برخوردار باشد.

منابع

- اسکات، ریچارد (۱۳۹۲) سازمان‌ها: سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز. حسن میرزایی. تهران: سمت
- محسنی، علیرضا (۱۳۸۳) وندالیسم (مبانی روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روانشناسی رفتاری وندالیسی در مباحث آسیب‌شناسی و کژرفتاری. تهران: نشر آن
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۷) مخاطب‌شناسی. مهدی منتظر قائم. تهران: نشر وزارت ارشاد
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۵) نظریه ارتباطات جمعی. پرویز اجلالی. دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۸) مدل‌های ارتباطات جمعی. گودرز میرزایی. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های رادیو

- خلیلی ، اسماعیل (۱۳۹۳) مصاحبه شفاهی
- استرا برت، کارپنتر (۲۰۰۲) تحقیقات کیفی. آلیس خاچیان و مصطفی شوکتی. تهران: نشر جامعه نگر
- تیلور، (۱۸۷۱) فرهنگ ابتدایی
- محمدپور، احمد (۱۳۸۸) روش در روش. تهران: انتشارات جامعه شناسان

The Effect of Cultural Policy on Social-Cultural Rudeness among the Spectators in Tehran Sport Complexes

Fateme Baratlou

Ph.D., Assistant Professor, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)

Seyyed Reza Salehi Amiri

Ph.D., Academic Member, Islamic Azad University, Science and Research Branch

Vahid Ghoroghi shafiei

Ph.D. Student in Cultural Management, Islamic Azad University, Science and Research Branch

Received:6 Dec. 2014

Accepted:28 Jan. 2015

Now a days, Sport is considered as a social affair all over the world. For all its hidden attractions, especially football, is faced social-cultural rudeness among the spectators. Most of the governments make policy according to their dominated culture.

In this study, the cultural policy about the Sport era, especially on social-cultural rudeness among the spectators in sport complexes will be evaluated. Through this study, three main questions over the cultural affairs and any managerial causes effect the rudeness will be considered.

Meanwhile, the interviews to high rank experts & masters in this field had been added in order to illustrate the case.

Key words: Cultural Policy, Audience, Social Structure and misbehaving